

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی ۱

سال سیزدهم - شماره دوازدهم - اسفند ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۸

معرفی نسخه خطی مفتاح‌الطالبین و بررسی سبک ادبی آن

(ص ۱۰۰-۸۳)

محمد حسنی ۲، سید مهدی نوریان ۳ (نویسنده مسوول)، مهرداد چترایی ۴

تاریخ دریافت مقاله: فروردین ۹۹ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: خرداد ۹۹

چکیده

«مفتاح‌الطالبین» اثر ارزشمندی است که فقط دو نسخه خطی - یکی در کتابخانه گنج‌بخش پاکستان (شماره ۲۸۵۳) و دیگری در کتابخانه ندوة‌العلمای هند (شماره ۱۹۱) - از آن وجود دارد و تاکنون هم بررسی و تصحیح نشده است. این کتاب را محمود غجدوانی (قرن دهم ه.ق) در منقبت شیخ کمال‌الدین حسین خوارزمی (تولد قبل از ۸۸۵ خوارزم) در چهارمقاله همراه با یک مقدمه و خاتمه ای کوتاه نوشته است. مقالات اول و دوم درباره ریاضت‌های شیخ و مقاله سوم در خوارق عادات او و مقاله چهارم شامل چهل مجلس از مجالس وی است. غجدوانی طبع شعر نیز داشته و بعضی از سروده هایش را گاهی با تخلص «محمود» در این متن آورده است. در این مقاله مهمترین ویژگیهای مفتاح‌الطالبین در سه سطح فکری، زبانی و ادبی همراه با معرفی مختصر نسخه های خطی آن قلمی میشود و در نهایت نگارندگان عزم آن دارند که با تصحیح این اثر آگاهیهای تازه ای درباره سیر عرفان و تصوف و احوال عرفاء، مخصوصاً کمال‌الدین حسین خوارزمی عرضه کنند.

کلمات کلیدی: مفتاح‌الطالبین، غجدوانی، سبک ادبی، حسین خوارزمی.

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
(m.hassani_law@yahoo.com)

۳- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
(mehnounian@gmail.com)

۴- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
(m_chatraei@yahoo.com)

Introducing the manuscript of Meftah al-Taliban and examining its literary style

Mohammad Hasani^۱, Seyyad Mehdi Norian^۲ (Corresponding author),
Mehrdad Chatraei^۳

Abstract

"Meftah al-Talibeen" is a valuable work of which there are only two manuscripts - one in the Ganjbakhsh Library of Pakistan (No. 2853) and the other in the Library of Nadu al-Ulama of India (No. 191) - and have not yet been reviewed or corrected. This book was written by Mahmoud Ghajdwani (10th century AH) in the manuscript of Sheikh Kamal al-Din Hussein Kharazmi (born before 885 Kharazm) in four quatrains with a short introduction and conclusion. The first and second articles on the austerities of the Sheikh and the third article in Khariq, his habits, and the fourth article include forty assemblies of his assemblies. Ghajdvani also had a poetic nature and sometimes composed some of his poems under the pseudonym "Mahmoud" in this text. In this article, the most important features of Muftah al-Talibin are written in three levels: intellectual, linguistic and literary, along with a brief introduction of its manuscripts. Kamaluddin Hussein Kharazmi.

Keywords: Meftah al-Talibin, Ghajdwani, literary style, Hossein Kharazmi.

1 - PhD student of Persian language and literature, Najafabad branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (m.hassani_law@yahoo.com)

2 - Professor of Persian Language and Literature Department, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (mehnounorian@gmail.com)

3 - Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (m_chatraei@yahoo.com)

مقدمه

«مفتاح‌الطالبین» اثری تعلیمی - روایی با نثری ناهمگون است. نثر دیباچه مسجع بوده و گاهی به نثر فنی نزدیک شده است و حکایات و نقل قولها نثر ساده دارد و در یک نگاه کلی میتوان گفت: نویسنده در تألیف این کتاب شیوه بینابین دارد. ترکیب مطالب این کتاب مثل دیگر آثار اواخر قرن دهم مخصوصاً متون صوفیانه و عرفانی است که ویژگی آنها وجود درصد بالای واژه‌ها و ترکیبات عربی و استفاده از آیات، احادیث، ضرب‌المثلها و آوردن لغات مترادف و موسیقایی بودن کلام به سبب توجه فراوان به آرایه‌های ادبی به‌ویژه سجع، جناس، مراعات‌النظیر، تضاد، تشبیه و غیره است. بدیهی است این موارد کلام را آهنگین و جذاب مینماید. از دیگر خصوصیات متن وجود برخی تعبیرات و افعال به شیوه کهن، مثلاً: «بوبین» (غجدوانی، ۱۲۷) ۱ یا «بوبرداریم» (۴۴۴) یا با گویش‌های محلی آن زمان در شمال خراسان مثل «پیشان» (۳۱) است. رسم‌الخط دو اثر با هم یکسان نیستند ولی هر دو کاتب سعی در زیبایی اثر دارند؛ مثلاً: کاتب نسخه اساس نقطه حرف «ف» را در واژه «متفکر» روی نقطه‌های حرف «ت» قرار داده است.

از آنجایی که بیان مسائل تعلیمی و اخلاقی در قالب حکایت و ضرب‌المثل و غیره، تأثیری بیش از توصیه‌های خشک، صریح و مستقیم دارد در این متن هم مؤلف مثل سنایی، عطار، مولانا و بخصوص سعدی اندیشه‌های خود را در قالب حکایات بیان کرده است. این حکایات جامع و مبسوط که در بیشتر موارد با شعر و همچنین آیات، احادیث و روایاتی از پیشوایان دین بالأخص حضرت پیامبر مکرم همراهی میشود به‌خوبی توانسته است مسائل تعلیمی، تربیتی و عرفانی را همراه با شرح صفات پسندیده و ناپسند بیان کند. گفتنی است که این موارد چنان در جای خود قرار گرفته‌اند که گویی وجودشان در آنجا ضروری بوده است و این‌همه از قدرت حافظه و وسعت دایره معلومات نویسنده حکایت میکند. در این متن به سال وقوع برخی رویدادها نیز که در ارتباط با موضوع کتاب میتواند اهمیت داشته باشد اشاره شده است از جمله مهاجرت شیخ کمال‌الدین حسین از خوارزم به سمرقند که در سال ۹۲۳ ه. ق بوده و غجدوانی نیز از همان بدو ورود شیخ به حضور ایشان راه یافته و این‌که از همان ابتدا هم تصمیم به نوشتن منقبت‌نامه شیخ داشته است در سال ۹۳۵ و ۹۳۶ نیز از شیخ حاج محمد و سپس از شیخ رشیدالدین، پیر بواسطه کمال‌الدین حسین تأییدی بر تصمیم خود میگیرد در سال ۹۵۰ مطالب کتاب را که ظرف مدت ملازمت او با مقتدایش کمال‌الدین حسین آماده شده بود در مدت کمتر از یک سال

تصنیف میکند و متن را در همان سال در سمرقند به نظر شیخ میرساند و پس از عرضه به بیاض میبرد و حرف آخر این که شیخ کمال‌الدین حسین در سال ۹۵۷ ه.ق همراه با مریدان حج گزارده و پس از آن در ۹۵۸ ه.ق در حلب رحلت کرده است.

لازم به تذکر است که این اثر تاکنون به نحو کامل تصحیح نشده است تنها نسخه‌ای مغلوپ از چهل مجلس - مقاله چهارم مفتاح‌الطالبین - در کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می‌شود که اسماعیل شفق در سال ۱۳۸۹ تصحیح و منتشر کرده ولی این تصحیح توجه اهل فن را به خود جلب نکرده و نقدی نیز از هیچ جنبه‌ای بر آن نشده است و کلام آخر این که تصحیح این اثر با توجه به مطالبی که بیان شد میتواند نظرها را جلب کند و نکات ارزشمندی را به جامعه فرهنگی عرضه نماید.

۱. کلیات پژوهش

۱-۱. بیان مسأله

تصحیح متن از ظریف‌ترین و دشوارترین شاخه‌های نقد ادبی است که در آن مصحح میکوشد با کشف و اصلاح دگرگونی‌های راه‌یافته در متن، آن را به صحت و اصالت نخستینش بازگرداند و با وجود آن که اساس و مقدمه‌ای برای انواع دیگر نقد ادبی است عملی‌ترین و دقیق‌ترین رویکرد در نقد ادبی نیز به شمار می‌رود (ر.ک: یادداشتها و اندیشه‌ها، زرین کوب: ۴۲) بدیهی است که هرگونه برداشت نقد و تحلیل زبانی و محتوایی متن بدون فراهم بودن نسخه‌ای منقح و پیراسته بیهوده مینماید. بر این اساس تصحیح متون کهن اهمیت و ضرورت می‌یابد.

سیره‌نویسی پیشینه‌ای بسیار کهن در فرهنگهای مختلف دارد و علاوه بر فواید رجالی - عصری از جنبه‌های دیگر نیز قابل توجه و بررسی است. مفتاح‌الطالبین نیز از این دست منقبت‌نامه‌ها و در احوال و اقوال شیخ کمال‌الدین حسین خوارزمی است که محمود بن شیخ علی بن عمادالدین الغجدوانی در اواسط قرن دهم ه.ق تألیف کرده است. مفتاح‌الطالبین به نثر مرسل و در جاهایی نیز متمایل به نثر فنی سده دهم و همراه با اشعاری اغلب سروده خود غجدوانی است.

حسین خوارزمی: کمال‌الدین حسین خوارزمی فرزند شهاب‌الدین حسین از صوفیان نامدار سده‌های نهم و دهم است که گمان می‌رود پیش از سال ۸۸۵ هجری قمری در خوارزم متولد شده در کودکی والدینش را از دست داده باشد (غجدوانی، ص ۵۲۹). در جوانی سر ارادت بر پای حاج محمد خوشانی (قطب طریقت ذهبیه) و شیخ عمادالدین فضل‌الله مشهدی نهاد و نهایتاً به سلسله حسینیة همدانیه پیوسته است. او در سال ۹۵۷ هجری با مریدان به مکه معظمه مشرف شده و پس از حج به دمشق رفته و در آنجا خانقاهی تأسیس کرده و در آن مقیم شده است. او در سال ۹۵۸ ه.ق به حلب رفته و در

آنجا بیمار شده و در دهم شعبان همان سال نیز در آن شهر درگذشته و پس از او فرزندش شیخ شریف‌الدین حسین به جای پدر نشسته است (دو همشهری هم‌نام و مشکل القاب آنان ، مایل هروی: ۱۴۶ و ۱۴۷ / شذرات الذهب، ابن عماد حنبلی: ۳۲۰ و ۳۲۱ / ثمرات القدس من شجرات القدس، لعلی بدخشی: ۱۲۱۳ و ۱۲۱۴).

سلسله طریقتی خوارزمی بدین شرح است: کمال‌الدین حسین خوارزمی مرید شیخ عمادالدین فضل‌الله مشهدی (پیر دلیل) و او مرید حاجی محمد خوبشانی و او مرید شاه علی اسفراینی و او مرید شیخ رشیدالدین محمد و او مرید سید عبدالله برزش‌آبادی بوده است. کمال‌الدین حسین ۱۱ سال نزد خوبشانی مانده و سرانجام با اجازه‌نامه‌ای از مرشد خود به خوارزم بازگشته است. محمود غجدوانی مفتاح‌الطالبین را در شرح احوال کمال‌الدین حسین تالیف کرده و چند سال بعد شریف‌الدین حسین خوارزمی، فرزند ارشد شیخ با بهره بردن از مفتاح‌الطالبین تذکره جاده‌العاشقین را نوشته است. در اغلب منابع احوال این صوفی با تاج‌الدین حسین خوارزمی (مقتول در ۸۳۹ هجری) به هم آمیخته است (دو همشهری هم‌نام و مشکل القاب آنان، مایل هروی: صص ۱۵۴-۱۴۵ / نسخه خطی مفتاح‌الطالبین به شماره ۲۸۵۳ محفوظ در کتابخانه گنج‌بخش: مقدمه / طرائق الحقائق، معصوم علیشاه: ۳۴۴/۲ و ۳۴۵ / شذرات الذهب، ابن عماد حنبلی: ۳۲۰/۸ و ۳۲۱ / جاده‌العاشقین (از ماوراءالنهر تا حرمین شریفین)، جعفریان: ۸۸-۱۱).

غجدوانی «مفتاح‌الطالبین» را- همان‌طور که قبلاً هم به مناسبت دیگری بیان شد- در قرن دهم هجری قمری به نثر آمیخته به نظم تألیف کرده است. این اثر، کتابی مفصل در بیان مسائل عرفانی و اخلاقی با استناد به آیات، احادیث، روایات، حکایات و اشعار است. تصحیح این دست‌نوشته بر اساس دو نسخه - نسخه کتابخانه گنج‌بخش پاکستان و نسخه کتابخانه ندوة‌العلمای هند- انجام شده است. این پژوهش بر آن است که با تصحیح این اثر کتابی را که از لحاظ زبانی، ادبی و فکری دارای ارزش والایی است و دستیابی به ژرفای محتوای آن میتوان در موارد و مسائل بسیاری روشنگر باشد به جامعه فرهنگی و ادبی معرفی کند.

۲. بحث

۲-۱. معرفی مؤلف

محمود بن شیخ علی بن عمادالدین الغجدوانی از صوفیان ماوراءالنهر و از مریدان کمال‌الدین حسین خوارزمی (عارف نامدار سده دهم) بوده که رساله مفتاح‌الطالبین را در مناقب و احوال مرشد خود نگاشته است. غجدوانی طبع شعر نیز داشته و بعضی از سروده‌هایش را در مفتاح‌الطالبین ذکر نموده اما دیوانی از او بر جای نمانده است. با کوشش

فراوان در بارهٔ غجدوانی اطلاعات بیشتری به دست نیامد.

۲-۲. آثار غجدوانی

بجز همین مفتاح‌الطالبین اثر دیگری از او شناخته نشده و در متن مفتاح‌الطالبین هم به اثری دیگری از خود اشاره نکرده است.

۲-۳. معرفی مفتاح‌الطالبین:

این اثر را غجدوانی در شرح احوال شیخ کمال‌الدین حسین خوارزمی از کودکی تا پایان حیات و در سیره و مناقب وی او نوشته است. این کتاب با درآمدی - بدون این که نامی بر آن بگذارد - از مؤلف شروع میشود. وی کیفیت زندگی خود را از کودکی تا زمانی که کمال‌الدین حسین خوارزمی را در فتح‌آباد زیارت کرده بیان نموده است. او در این درآمد مینویسد علی‌رغم گذران عمر به سرگرمی‌های معمول استعدادی برای تربیت و پرورش داشته و واقعاتی هم به وی دست میداده است. سپس مفتاح‌الطالبین را با مقدمه‌ای شروع کرده و بعد از آن چهار مقاله آورده و آن را با خاتمه‌ای به پایان برده است. مقدمهٔ کتاب حاوی مطالبی کلی در بارهٔ عرفان و دعوت انسان به اخلاق پسندیده و کمک به نیازمندان و غیره بوده و راجع به سلسلهٔ طریقتی کمال‌الدین حسین و شیوخ این طریقه از شیخ محمد خوشانی تا حضرت پیامبر اکرم (ص) سخن گفته و خوارق عاداتی را از بعضی از شیوخ و پیرهای مع‌الواسطهٔ خوارزمی بیان کرده است. مقالات اول و دوم راجع به ریاضات کمال‌الدین حسین و مقالهٔ سوم در خوارق عادات وی بوده و مقالهٔ چهارم چهل مجلس از مجلس او را آورده است و این چهل مجلس عمدتاً در پاسخ مریدان و افراد عادی و حتی مدعیان مخالف بوده و مطالب سودمندی را در رفع شبهات عرفانی و دینی بیان کرده است و خاتمهٔ کتاب نیز در بارهٔ اسلاف و اخلاف کمال‌الدین حسین بیانات کوتاهی دارد هر چهار مقاله با تعبیراتی غنایی در راز و نیاز با خدا و تحت عنوان مناجات به پایان میرسد. مطالب هر چهار مقاله به بخش‌های کوچکی - از چند سطر تا یک صفحه - به نام مقوله تقسیم شده است که همین امر به نظم، رسایی و تفهیم مطالب کمک میکند. مفتاح‌الطالبین در یک نگاه کلی اثری عرفانی - تعلیمی به نثر مسجع است و مطالب آن به اشعاری از مؤلف و شعرای دیگر و آیات، احادیث قدسی، روایات، حکایات و ضرب‌المثل‌هایی مستند شده است لغات و عبارات عربی در کتاب وجود دارد و نثر آن گاهی مسجع و فنی و گاه به‌ویژه در ذکر حکایتها ساده است و در بعضی از قسمتها به نثر فنی نزدیک میشود. صنایع بدیعی مثل جناس، تشبیه، استعاره، تضاد، تناسب و غیره در متن آمده است ولی در استفاده از این موارد تعادل رعایت و چنان در متن گنجانده شده که گویی وجودشان در آن موضع لازم بوده است. تفاوت‌هایی در رسم‌الخط نسخ و نحوهٔ تحریر و تزیین خط و ربط کتاب با نوشته‌های امروزی وجود دارد که این مطالب مخصوص این اثر نبوده است و در آثار آن

دوران کمابیش دیده میشود. آن چه در این اثر اهمیت دارد استفاده از لغات مهجور فارسی و واژه‌های محلی و مفرداتی است که در لغتنامه‌های موجود دیده نمیشود. نویسنده به تاریخ برخی وقایع هم اشاره کرده است که این تاریخها در مناسبت با موضوع کتاب میتواند مفید باشد مثل این که کمال‌الدین حسین خوارزمی در سال ۹۲۳ از خوارزم به سمرقند می‌رود و غجدوانی از همان تاریخ به ملازمت او درمی‌آید و در سال ۹۵۰ ه.ق اطلاعاتی را که در طول ۲۷ سال ملازمت با خوارزمی جمع‌آوری کرده است تألیف میکند.

۲-۴. جایگاه نویسندگی و شاعری غجدوانی

با در نظر گرفتن متن و ابیات این کتاب میتوان او را نویسنده‌ای قابل و شاعری متوسط معرفی کرد.

۲-۵. معرفی دست‌نویس‌های موجود:

الف، نسخه کتابخانه گنج بخش اسلام‌آباد پاکستان به شماره ۲۸۵۳ و به خط نستعلیق خوش و به قلم محمدحسین (المشتهر به خواجه کاتب) بن میرکی سمرقندی و دارای ۵۲۹ صفحه ۱۵ سطری است که در شهر سمرقند در ۹۵۱ هجری استنساخ شده است. متأسفانه چند سطر از آغاز نسخه - دیباجه - افتادگی دارد. ولی با توجه به نسخه‌بدل و دیگر قراین این افتادگی از چند سطر بیشتر نیست. عنوان‌های کتاب به زر و برخی لاجورد و برخی شنگرف و آیتهای قرآنی به زر با جدول‌بندی پنج راه است ر.ک: (فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، منزوی: ۳/۸۴۸).

ب، نسخه کتابخانه ندوة‌العلماء لکنهو هند به شماره ۱۹۱ و به خط نستعلیق و به قلم حاجی عبدالله بن محمدامین و دارای ۳۱۱ صفحه ۱۹ سطری است. نشانه‌ها به شنگرف و فاقد تاریخ کتابت است. گفتنی است که میکروفیلم سیاه و سفید این نسخه از مرکز میکروفیلم نور تهیه شده است.

با توجه به قدمت و صحت نسخه کتابخانه گنج‌بخش، این نسخه را با نشانه اختصاری «اس» به عنوان نسخه اساس برگزیده و از نسخه کتابخانه ندوة‌العلماء به عنوان نسخه‌بدل و با نشانه اختصاری «ند» استفاده کرده است.

متأسفانه در نسخه‌بدل گاهی به دلیل خطای چشم جمله یا جملاتی که بین دو واژه همانند قرار گرفته از قلم افتاده است.

گاهی واژه‌ای در نسخه اساس به کار رفته است ولی کاتب نسخه‌بدل به دلیل غرابت لغت یا نادانستگی مترادف آن را در نسخه‌بدل آورده است؛ مثلاً: در نسخه اساس واژه «شاهرخی» وجود دارد ولی در نسخه‌بدل به جای آن واژه «تنگه» نوشته شده است که

هر دو نوعی سکه‌اند؛ و یا در نسخه‌ی اساس واژه «پره‌دار» آمده است که در فرهنگها وجود ندارد در نسخه‌بدل به جای آن واژه «زخمی» به کار رفته است.

۲-۶. ویژگی‌های رسم‌الخطی نسخه‌بدل و نسخه‌ی اساس

این دو نسخه به خط نستعلیق زیبایی نگارش یافته است و هر دو کاتب خطی پخته و چشمنواز دارند. در این دو نسخه قواعد نگارشی مشابهی به کار رفته است. نمونه‌هایی از این قواعد عبارتند از: الف. دو نسخه در خصوص جدا یا سرهم نوشتن کلمات مرکب با هم متفاوت هستند. ب. نوشتن حروفی مثل «پ»، «چ»، «ژ» با یک نقطه به جای سه نقطه و نوشتن حرف «گ» بدون سرکش ج. استفاده از «ء» به جای «ای» - علامت وحدت و نکره - در کلمات مختوم به «های بیان حرکت». د. گاهی از اسامی مختوم به «ها»ی بیان حرکت - که با «ها» جمع بسته میشوند - «ها»ی غیرملفوظ حذف میشود.

۲-۷. ویژگی‌های سبکی مفتاح‌الطالبین غجدوانی

۲-۷-۱- سطح زبانی

سطح زبانی به سه سطح آوایی، لغوی و نحوی تقسیم میشود:

۲-۷-۱-۱- سطح آوایی

سطح آوایی همان کیفیت موسیقایی متن است و از سه دیدگاه - بیرونی، کناری و درونی - بررسی میشود.

۲-۷-۱-۱-۱- موسیقی بیرونی

اشعار مفتاح‌الطالبین از نظر قالب به چهار گروه شامل: مثنوی، غزل، رباعی و تک بیت «مفرد» تقسیم میشوند. اسامی اوزان هر گروه در جدولهای زیر خواهد آمد. الف. این کتاب ۶۴ مثنوی دارد که در شش وزن به ترتیب در جدول زیر آمده است

ردیف	وزن	تعداد
۱	رمل مسدس محذوف یا وزن مثنوی	۲۴
۲	خفیف مسدس مخبون	۱۵
۳	متقارب مئمن محذوف یا وزن شاهنامه	۱۳
۴	هزج مسدس محذوف یا وزن دوبیتی	۵
۵	هزج مسدس اُخرب مقبوض محذوف	۴
۶	سریع مطوی مکشوف	۳

ب ۰ در این متن ۱۸ غزل در ۸ وزن وجود دارد

ردیف	وزن	تعداد
۱	مضارع مئمن اُخرب مکفوف محذوف	۵

۳	خفیف مسدس مخبون	۲
۳	هزج مسدس محذوف	۳
۳	هزج مثنیٰ سالم	۴
۱	سریع مطوی مکشوف	۵
۱	رجز مثنیٰ سالم	۶
۱	هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف	۷
۱	رمل مسدس محذوف یا وزن مثنوی	۸

ج. در این متن ۹۳ رباعی با ۷ وزن وجود دارد.

ردیف	وزن	تعداد
۱	هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف محبوب	۸۷
۲	هزج مسدس اُخرب مقبوض محذوف	۱
۳	رمل مثنیٰ مخبون محذوف	۱
۴	هزج مثنیٰ اُخرب	۱
۵	مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف	۱
۶	رمل مثنیٰ محذوف	۱
۷	سریع مطوی مکشوف	۱

د. در این متن ۲۰ تک بیت «مفرد» در ۱۳ وزن آمده است.

ردیف	وزن	تعداد
۱	مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف	۴
۲	مجتث مثنیٰ مخبون محذوف	۲
۳	رمل مثنیٰ محذوف	۳
۴	رمل مثنیٰ مخبون محذوف	۲
۵	مضارع مثنیٰ اُخرب	۲
۶	مجتث مثنیٰ محذوف	۱
۸	رمل مثنیٰ مخبون محذوف	۱
۹	منسرح مطوی مکشوف	۱
۱۰	رجز مثنیٰ مطوی مخبون	۱
۱۱	مقارِب مثنیٰ محذوف	۱

۱	متقارب مثنی‌سالم	۱۲
۱	هزج مثنی‌س مخفوف محبوب	۱۳

۲-۱-۱-۷-۲- موسیقی کناری

موسیقی کناری نیز مثل بقیهٔ موارد سخن را آهنگین می‌کند و مصادیق آن قافیه و ردیف است.

۲-۱-۱-۷-۲- قافیه

قافیه سبب غنای موسیقی کلام می‌شود. «قافیه نوعی زمینه‌سازی برای القای موسیقی شعر در ذهن آدمی است تکرار الفظی که از نظر معنا و احتمالاً از لحاظ شکل ظاهری با هم متفاوتند ولی از نظر لحن و آهنگ هم‌نوا هستند، لذتی به آدمی می‌بخشد که نزدیک است به لذتی که از استماع نغمه‌ها دریافت می‌کنیم.» (پیوند موسیقی و شعر، ملاح: ۸۳). بنای قافیه در این اثر بر الفاظ نسبتاً ساده استوار و اشکالات قافیه در این اثر کم است ولی کاتب نسخه‌بدل در نوشتن اشعار اشتباهاتی دارد که موجب شده است بخشهایی از شعرها از جمله قوافی اشتباه خوانده شود (۸۰، ۲۸۵، ۳۰۳، ۳۷۸ و ۴۰۷).

گاهی در اشعاری ردیف وجود دارد ولی قافیه دیده نمی‌شود مثل:

آنی که همیشه چرخ سرگشتهٔ اوست در میکده و بتکده شور و شر اوست

که عاشق شیدا و گهی معشوق است چون درنگری حقیقت جمله هم اوست
(۱۰۹)

مهدی طالبان راه نجات رهنمای همه به سوی نجات
(۳۲۳)

شایگان:

شایگان معادل فارسی همان ابطای جلی است ولی معمولاً آن را در مورد تکرار علامت جمع به کار می‌برند این مورد از عیوب قافیه در شعر غجدوانی بسامد کمی دارد مثل بیت:
این رنج و بلا از اوست بر خسته‌دلان او میداند محنت ما تشنه‌لبان
(۳۱۵)

۲-۱-۱-۷-۲- ردیف

«ردیف کلمه‌ای را گویند یا بیشتر، که بر سبیل استقلال در آخر همهٔ ابیات بعینه متکرر شود و این خاصهٔ شعرای عجم است» (عروض سیفی و قافیهٔ جامی، عبدالرحمن جامی: ۷۴). ۳۴٪ مثنوی‌ها، ۷۷٪ غزل‌ها، ۴۸٪ رباعیات و ۴۰٪ ابیات مردفند و در این متن انواع ردیف‌های اسمی، حرفی و فعلی وجود دارد.

۲-۷-۱-۱- موسیقی درونی

موسیقی درونی متن به وسیله صنایع بدیع لفظی از قبیل انواع سجع و جناس به وجود می‌آید:

۲-۷-۱-۱-۳- سجع

سجع پردازی: یکی از ویژگی‌های این کتاب، مسجع بودن نثر آن است «نه او را سری و نه سرانجامی ماند، نه یک لحظه‌اش صبری و آرامی ماند، چون شاهباز از دام دنیای دون جسته و دیده غیرت از شهود غیر بسته، مجنون‌وار سر به هامون طلب زند، فرهاد صفت تیشه همت بر کوه مطلب زند تا دوست کدام را بخواند و بر بساط عنایت که را نشاند، هر کس را این دولت یار شد، بر سریر سلطنت دو جهانی شهریار شد» (۴).

۲-۷-۱-۱-۲- جناس:

جناس: از جمله صنایعی که مؤلف به آوردن انواع آن اهتمام داشته جناس است. از اقسام مهم جناس که در این اثر دیده میشود، میتوان به جناس ناقص، لفظ، خط و اشتقاق اشاره کرد. فرمان و فرمای، زمین، زمان، سالکان، مسالک، باید، شاید، امن، امان، نسب، حسب).

آنها که به گرد اولیا گردان‌اند
در دایره صدق و وفا گردان‌اند
بر گرد محبتان خود ایشان همه وقت
پرگار صفت گشته بلاگردان‌اند
(۳۸۹)

۲-۷-۱-۲- سطح لغوی

بررسی و تحلیل این اثر از لحاظ لغوی بیانگر تسلط نویسنده بر دایره لغات زبان فارسی از جهت ترکیب‌سازی و کهن کاربردهاست. در این رساله شاهد لغات و ترکیباتی هستیم که روزگاری رواج داشته و کم‌کم به فراموشی سپرده شده و یا دچار دگرگونی شده است. در این سطح لغات و ترکیبات به کار رفته در شعر غجدوانی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. جمع‌الجمع: گاه کلماتی به صورت جمع جمع به کار رفته است حضاران: (۵۱۴).

۲. جمع بستن کلماتی که معمولاً جمع بسته نمی‌شوند خودها (۲۳۸ و ۳۳۹). مایان (۳۷۳، ۳۸۸، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۳۷ و ۲۳۸). شمایان: (۱۰۹، ۱۷۵، ۲۶۴، ۲۶۷، ۲۸۳، ۲۸۸، ۳۰۸، ۳۴۶، ۳۵۸، ۳۶۰، ۴۱۲، ۴۵۶، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۹۷، ۴۹۹ و ۵۰۰)

۳. استفاده از لفظ تاکید «مر»: (۱۴۴، ۲۲۶، ۲۹۱، ۲۹۳، ۳۰۳، ۳۳۲، ۴۰۶، ۴۸۱، ۴۹۳ و ۵۲۲)

۴. به کار بردن ترکیبات عربی در متن فارسی: آخر الامر (۱۶۶، ۲۲۳، ۲۹۷، ۳۰۹، ۳۲۸، ۳۳۴، ۳۸۴ و ۴۳۷) انا فانا (۱۸۰)

۵. استفاده از «با» به جای «به»: با ما سپار (۱۲۹) و نیز ر.ک (۲۸۶).

۶. استفاده از «به» به جای «با»: چون به او ملاقات کردم (۱۵۱) و نیز ر.ک (۱۲۷).
۷. «نی» به جای «نیست»: (۳۹۲، ۴۷۰، ۴۸۳، ۳۹۰ و ۲۶۱)
۸. بسامد فراوان لغات و ترکیبات عربی که غیر از استشهاد و اظهار فضل، گاهی برای آرایش کلام بوده است: صانع، مصنوعات، موجودات، قلم، صنع (۱)، مقتدایی و مولایی و ملجأ العالمین (۳۷) و نمونه‌های دیگر.
۹. مؤلف در جمع بستن کلمات بیشتر به جمع مکسر عربی عنایت داشته است: اسرار (۱)، اصناف (۱) و انبیا (۱) و نمونه‌های دیگر.
۱۰. بسامد اصطلاحات عرفانی و کلامی در این اثر بسیار زیاد باشد: فقر، بقا، طلب، ستر، غیرت، ذکر، شکر، فنا، عشق، تعیین، شهود، معامله، تحقیق، حال، عبادت، مراقبه، مشاهده، توحید، عبودیت، ربوبیت، محو، خرابات، ممکن، واجب، مناجات، رند، ملامت، پیر، استغنا، حادث، قدیم، لمعات ظهور، آفتاب شهود، فرع و اصل...
۱۱. لغات نادر: در این متن لغات نادری مانند خودکمتران (۴۵)، ملهمگی (۵۵) و مطمئنگی (۵۵) وجود دارد.
۱۲. ترکیبات زیبا: در این متن ترکیبات زیبایی مانند «گندم‌درو» (۳۸۸) و «عصاشمشیر» (۳۹۶) وجود دارد.
۱۳. کاربرد گونه کهن لغات: آذوق (۳۱۴، ۲۶۷، ۲۳۷، ۱۷۵، ۲۳۹): آذوقه؛ پیشان (۳۱): صدر، بالا؛ تاه (۳۵۳ و ۹۰): تا، عدد فرد؛ جاویدن (۲۵۲): جویدن؛ جلاو (۲۹۲): جلو؛ جلاوداران (۵۲۵، ۴۵۴، ۳۴۶، ۴۶۲، ۷۶ و ۷۷، ۳۴۳): جلوداران؛ رنگریز (۳۰۸): رنگرز؛ رنگریزی (۳۰۹): رنگریزی؛ زخمین (۲۵۲): زخمی.
۱۴. لغاتی که در فرهنگها وجود ندارند: آش پرهیز (۳۵۹) خود این ترکیب در فرهنگها نیامده اما لغت «مزوره» در دهخدا، آش پرهیز معنی شده است و در باره آن توضیحاتی داده شده است. اشکیل (۳۹۵ و ۳۹۶) در دهخدا به صورت اشکال: پای بند ستور وجود دارد. شمشیر انداختن (۲۸۱) ظاهراً معنای تسلیم شدن دارد در حالی که در این متن به معنی حمله کردن است. توزاق (۲۶۰): «آهوپی را دیدم که به هر جانب می‌جهد چون به او رسیدیم در توزاق گرفتار شده بود». در ترکی توزاق به معنای دام و تله است. جلالیت: احتمالاً با قدرت کاری را انجام دادن «این چنین جلالیتها کرده زبیر را از دست من گرفته، پرتافت» (۸۷)؛ و نیز، ر.ک: (۴۲۵، ۴۱۸، ۳۷۹، ۳۵۹، ۳۵۴، ۳۴۵، ۴۲۷) چارطاق‌بندی: «من از عجایب و غرایب چارطاق‌بندی پیش ایشان تقریر می‌کردم» (۲۷۲) و نیز، ر.ک: (۲۶۹). چَقُورِی: (این واژه در افغانستان بسیار متداول است و به معنی حفره و گودال است و نیز دو ضرب‌المثل عامیانه با همین لغت دارند: «کور هم باشد به یک چقوری دو مرتبه نمی‌غلتد!» و «نام کشیدن و در چقوری نشستن؟») «آن باباقولدش نیز در مقابله حجره

ایشان در چقوری در آمده حلقه زده، خفتیده است» (۳۴۲). خودکمتران معادل بندگان و نوکران و خادمان: «و امثال ایشان بلکه از خودکمتران و بندگان و نوکران و خادمان خود را به سبب اطاعت فرمان حق و توفیق طاعت و عبادت در روح و راحت «فَرُوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٌ» غریق بینند» (۹۰). دی شام (دیشب): «دی شام این همه شدت و محنت و این شب این همه عزت و شوکت» (۳۱۲). غایب‌خانه (۱۲۱): «به آن حجره که آن را غایب‌خانه مینامند در آمد». قاق (۳۵۳، ۱۷۳، ۱۷۲، ۲۲۹): در یک صفحه اینترنتی به نام دهکده مهربانی این کلمه را حفره‌های تقریباً عمیق روی تخته سنگ معنی کرده و عکسی هم از آن نشان داده است. قتلمه (۳۷۶): در اینترنت بدون ذکر منبع آن را نوعی نانی از مازندران نامیده و طرز تهیه آن را بیان کرده است. مسافری: (سفر): «گاه در مسافریها چنان بود که سه‌شنبه‌روز یا چهارشنبه‌روز آن قدر غذا و قوت می‌ستر نمی‌شد که افطار توانم کرد» (۲۲۹). مطفری (۲۸۲)، مطفریان (۲۸۰): (درویش، درویشان) «جمعی دیگر از قلندران و مطفریان گرد او نشستند». یره‌دار (زخمی): «کس ما بسیار ضایع شد و یره‌دار شد» (۳۹۴). یره‌دار: زخم. رک: (در باره گویش یغناپی، رواقی: ص ۱۴). لازم به ذکر است که این واژه در نسخه اساس «یره‌دار» و در نسخه بدل «یاره‌دار» نوشته شده است. با توجه به این که گاهی «خانه» به «خنه» و «دانه» به «دنه» تبدیل می‌شده است (سبک‌شناسی، بهار: ۲۰۱) احتمال این که یاره هم طبق همین قاعده به «یره» تبدیل شده باشد، وجود دارد و هر دو واژه، دو شکل یک واژه و یا لهجه‌ای خاص باشند.

۱۵. لغات کهن و مهجور و عمدتاً غیرفارسی. گفتنی است که تمام معنی لغات این بخش به نقل از لغت‌نامه دهخداست: ایلغار (۳۶۰): (به سرعت بر فوج دشمن دویدن). باشیده (۱۷۳): بوده، مقیم. سکونت کرده. متوقف. تردّد (۳۸۸، ۴۱۱، ۳۶۷، ۳۳۹، ۲۹۰، ۲۸۸، ۲۳۷، ۴۹۵، ۴۷۹، ۲۳۱): تردید. تغییر (۴۲۴، ۲۸۶، ۲۸۲، ۲۸۱، ۲۷۵، ۲۵۶، ۲۵۱، ۲۲۳، ۱۳۴، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۰، ۱۰۶، ۱۵، ۹، ۵۱۹، ۵۱۵، ۵۰۰، ۴۶۱، ۲۱۱، ۱۹۱، ۱۶۶، ۱۴۱، ۱۴۰): تغییر. تنگه (۴۰۹): مقداری از زر و پول. تواجی (۳۹۴): مسئول دیوان ترک یا تواجی دیوانی که امور سپاهیان را به عهده داشت، در سلسله مراتب امیران، بالاتر از هر امیری بود (تاریخ ایران (جلد ششم) دوره تیموریان، آژند: ۱۳۹). جمجمه (۲۷۴): پنهان داشتن چیزی در دل. جواز (۳۳۶، ۳۳۵، ۱۱۹): نوعی هاون چوبی یا سنگی برای کوبیدن چیزی تا عصاره یا روغن آن را بگیرند، جوازگر (۳۳۶)، ۳۳۵ و جوازخانه (۳۳۶). جوش‌بره (۲۳۲، ۲۳۳): نام آشی است مشهور. جهات (۱۷۷) و (۲۷۳): مالیاتی که به مصرف تأمین کاروان حج میرسد. حویلی (۴۱۸، ۳۷۰): خانه، سرای، حیاط؛ بیشتر مورد استفاده در کابل و شمال افغانستان دارد. در رفتن (۱۱۹، ۱۲۷، ۲۴۰ و ۲۸۳): وارد شدن «به خانقاه در رفتم». ذق (۴۷۳): معرب دک، به معنی گدائی و خواستن.

راه‌زینه (۱۵۵): راه‌پله. رسا (اندازه): «آن چوبی که نارسا بوده‌است» (۷۸) نیز ر.ک: (۷۹).
 زنبر (۸۷): آلتی چوبین که در آن خاک، خشت و مانند آن کنند و از جایی به‌جایی برند.
 سازنده (۴۶۲): ساززن. سال (۸ مورد در صفحه ۲۳۷ و ۸ مورد در صفحه ۲۳۸): کشتی.
 ساویدن (۳۰۸): ساییدن. سفت (۲۲۲): سوراخ سوزن. سقاوه (۳۱۹, ۳۱۵, ۳۱۴, ۱۲۹):
 آنچه بنا نهند برای آب. شاه‌رخی (۳۷۰ و ۴۰۹): ظاهراً نوعی سکه بوده. شیو (۲۹۰, ۲۷۸,
 ۳۷۰): شیب. طاقیه (۱۹۰ و ۳۵۵): نوعی کلاه بلند مخروط شیب به کلاه فعلی درویشان.
 طمع (۵۰۲, ۴۹۲, ۳۴۵, ۲۸۹, ۲۲۹, ۱۳۶, ۴۸۴): گاهی معنی منفی ندارد= درخواست.
 عقور (۳۵۶): سگ‌گزنده. عوک (۵۱۵): پیش آمدن «از حضرت شیخ سفیان ثوری حکایتی
 دیدم پشت ایشان شکسته عوک شده بوده است». غلط کردن (۵۰۶ و ۲۹۵): اشتباه کردن.
 این لغت در غیر ایران معنی توهین‌آمیزی ندارد اما در ایران بکار بردن این لغت برای
 دیگران توهین است. فالیز (۸۷): معرب پالیز، خربزه‌زار. فام (۱۹۰): قرض. قزیل‌باشان
 (۳۹۴): طوایف ترک به سبب کلاه سرخی که بر سر می‌گذاشتند. قین (۳۹۶): شکنجه.
 کپنک (۲۸۶): نمدی که بر دوش گیرند. کوفت (۳۶۷, ۵۲۶, ۲۵۲, ۲۵۱, ۲۳۶, ۲۳۵,
 ۲۱۲, ۱۷۲, ۱۷۰): خستگی و کوفتگی. لنگر (۳۷۵, ۳۷۴, ۲۸۰): خانقاه. مالیت (۲۹۷):
 ارزش. محصل (۳۹۶): جمع‌کننده مالیات. محل (زمان): محلّ تعجب (۱۵۹, ۱۶۵, ۹۸, ۴۰۹,
 ۴۲۲, ۴۴۶, ۴۲۷, ۴۶۳, ۴۵۵, ۴۲۵, ۳۶۲, ۵۱۲, ۵۲۵, ۴۹۵, ۲۸۷, ۲۳۴), محلّ یخ‌بند (۱۰۵),
 چه محلّ رفتن است (۱۴۲) و این زمان محلّ توقف نیست (۳۷۹). مخصمه (۲۶۰, ۲۳۲,
 ۲۳۰): گرسنگی مفرط. مسکور (۱۲, ۱۰۵, ۱۸۳): مست شده. مَنه (۳۲۶, ۳۸۶): چانه.
 میده (۳۵۳): نوعی آرد. نرم ساختن: خرد کردن «چون گنبد نزدیک به پوشیدن رسید
 به یکبار شکست کرده از هم فروریخت و نزدیک به آن بود که مرا نیز نرم سازد» (۲۳۴).
 واپرداختن (۸۷): خالی کردن. وار (۴۳۴): رسم و عادت. یک‌جهت (۳۸۸ و ۳۹۴): یکدل.
 یوت (۳۴۴): مرگ عام ستوران.

۲-۷-۱-۳- سطح نحوی

در این قسمت، ساختار دستوری اعم از صرف و نحو مورد تحلیل قرار گرفته است که
 موارد مهم آن عبارت است از:
 ۱. حذف فعل معین در ماضی نقلی به قرینه لفظی:
 در این متن، حذف فعل کمکی در صیغه ماضی نقلی زیاد دیده میشود که این خصیصه
 باعث طولانی شدن جملات شده است: آن بابا قولدش نیز در مقابله حجره ایشان در
 چقوری درآمده، حلقه زده، خفتیده است (۳۴۳).

۲. مطابقت موصوف و صفت به سیاق عربی:
کتب معتبره (۳۶)، خیالات باطله (۲۹۳)، عجزه‌ای است بغایت خسیسه (۳۳۷)، اندیشه فاسده (۲۷۹)، بلده فخره (۷).
۳. جابه‌جایی ارکان جمله و تقدیم فعل به دلیل تأکید یا تأثیرپذیری از زبان عربی:
مواظبت نماید بر طاعات و آگاه باشد به ذات و صفات و مجتنب باشد از معاصی و محترز باشد از استیفای شهوات و لذات جسمانی و منکرات و صابر باشد بر مقتضیات نفس و قانع باشد به مالاید نفس از خواب و خورش و پوشش (۶۴).
۴. وجود افعال دعایی: محفوظ و محروس دارد (۱۵۳).
۵. به کار بردن فعل «نمودن» به جای «کردن» به‌عنوان هم‌کرد فعل: التماس نموده‌اند (۹۸)، هدایتی نمود (۶)، پرواز نموده (۲۰) و موارد بسیار دیگر.
۶. آوردن صفت ترتیبی «دوم و سوم» به‌صورت «دویم و سیم» در نسخه‌بدل.
۷. به کار بردن کلمات تنوین‌دار: مطلقاً (۳۰۱) و مجملاً (۳۰۵) و موارد بسیار دیگر.
۸. استعمال افعالی که امروزه گذرا هستند در معنی ناگذر:
ماندن (۸۶ و ۱۰۰): نهادن، گذاشتن. سوختن (۴۱۱ و ۲۶۴): سوزاندن. جوشیدن (۲۶۲): جوشانیدن، جوشاندن.
۹. به کار بردن پیشوند «می» قبل از پیشوند «در» در فعل پیشوندی میدرآمدم: «در جوی آب میدرآمدم» (۱۵۷).
۱۰. به کار بردن جمع‌های مکسر عربی: احوال (۲۸۵) و مهالک (۳۳۱) و نمونه‌های بسیار دیگر.
۱۱. استعمال افعال پیشوندی با پیشوند «باز»: (۳۴۰) و «بر» (۳۳۴) و «در» (۶۲) و نمونه‌های بسیار زیاد دیگر.
۱۲. آوردن هر دو علامت نکره پیش و پس از کلمه:
یک عورتی (۲۳۶)، یک نوبتی (۲۳۰)، یک شبی (۱۶۱) و یک مردی (۲۸۰).
۱۳. به کار بردن آیات قرآن در نقش صفت: نسیم عنایت «و نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (۱) و نیز ر.ک: (سه مورد دیگر در همین صفحه).
۱۴. آوردن ضمیر او برای غیر ذی‌روح: مرضی داشتم که لحظه‌ای از الم او فارغ نبودم (۱۸۳).
۱۵. به کار بردن ترکیب «در چیزی دیدن» در معنی «نگاه کردن به آن چیز»: یک نظر در رخ آن ماه منور دیدم (۱۶۶) و نیز ر.ک: (۱۶۶).
۱۶. آوردن معدود جمع برخلاف قاعده زبان فارسی: پنج اوتاد (۵۱) و سه اقطاب (۵۱).
۱۷. آوردن گروه قیدی بعد از فعل جمله: پای برهنه می‌آمد بر روی برف (۸۴).

۱۸. به کار بردن «را» ی نشانهٔ مفعول بعد از نهاد جملهٔ مجهول: این سلسلهٔ شریفه را در تذکره‌ای جمع کرده شود (۳۶).

و نیز ر.ک: (۳۲۳) و (۳۹۴).

۱۹. به کار بردن فعل «شدن» در معنی رفتن: آمد و شد در خلوتخانهٔ حرم‌سرای انس و پرده‌سرای قدس حال ایشان آمد (۵۷).

۲۰. حذف فعل با قرینهٔ لفظی: نه سر را یابند و نه سامان را (۳۸۵) و موارد بسیار دیگر.

۲-۷-۲- سطح فکری

دقت در متن مفتاح‌الطالبین بیانگر پابندی نظری و عملی غجدوانی به تعالیم دینی، اخلاقی و عرفانی است. او به جبر، تقدیر و سرنوشت باور دارد و در همهٔ امور رضایت خداوند متعال را میجوید و اعتقاد دارد که هیچ امری خارج از ارادهٔ او نیست. غجدوانی آگاهی وسیعی در مورد روحیات، ضعف و قوت انسان دارد و سعی وافر در رستگاری و تکامل او میکند و برای تحقق این امر انسانها را به اخلاق نیک، تواضع و کمک به نیازمندان میخواند. او به پیروی از دیگر آثار عرفانی سعی دارد با استناد به آیات، روایات، احادیث قدسی، حکایات، ضرب‌المثلها و اشعار و غیره آموزه‌های اخلاقی و دینی را تبیین کند و با بیان این مسائل به انجای روشها تلاش میکند که همهٔ افراد را در هر سطحی که باشند آگاه و باورمند به این امور سازد. نکتهٔ قابل توجه دیگر در این کتاب اخلاق‌مندی نویسنده در سخن است. او اهل هزل و هجو نبوده و مطالب خود را با زبانی پاکیزه، عقیف، مؤدبانه و متین بیان کرده است. گرچه او مسلمانی سنی مذهب است ولی متعصب نیست و از امامان شیعه هم با احترام یاد میکند.

۲-۷-۳- سطح ادبی

در این اثر تعلیمی - عرفانی، بیشترین سعی مؤلف بیان معنا و مضمون است و آراستن سخن به بدایع لفظی و آرایه‌های ادبی در درجهٔ دوم اهمیت قرار دارد. مؤلف در انشای کتاب از صنایع لفظی، بیشتر سجع و جناس و موازنه و از صنایع معنوی تشبیه، تلمیح، استعاره، ایهام تناسب و تنسیق الصفات را مورد استفاده قرار داده است.

نتیجه‌گیری:

مفتاح‌الطالبین منقبت‌نامه‌ای است مشحون از تعلیمات اخلاقی و عرفانی که غجدوانی آن را به نثر مسجع تالیف کرده و در آن اشعاری را از خود و دیگر شعرا آورده است. در این متن مثل دیگر آثار عرفانی قرن دهم عبارات عربی فراوانی آمده و مطالب آن به آیات، احادیث قدسی، روایات، حکایات و غیره مستند شده است. مولف از مشایخ طریقت ذهبی و دیگر عرفا با احترام و القاب و نعوت شایسته یاد نموده و گرچه سنی‌مذهب است تعصب

نداشته و از ائمه شیعه هم با تکریم یاد کرده است. این اثر سرشار از صنایع ادبی مثل: جناس، تشبیه، استعاره و غیره بوده و در آن از لغات و اصطلاحات محلی و عناصر مهجور و کلماتی که در فرهنگهای فارسی نیامده استفاده شده است. نثر غجدوانی فخیم و مودبانه و به دور از هزل و هجو و بیانات سطحی است و در توصیف وقایع نیز جزییات مطالب را بیان میکند و برای القای بهتر مفاهیم سخن خود را در کلیه مقالات کتاب به بخشهای کوچکی تحت عنوان مقوله تقسیم مینماید. ناگفته نماند که نثر این نویسنده بسیار قوی‌تر از شعر او است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم

- پیوند موسیقی و شعر، ملاح، حسینعلی، (۱۳۸۵)، نشر قضا، تهران.
- تاریخ ایران (جلد ششم) دوره تیموریان (ترجمه یعقوب آژند)، دانشگاه کمبریج (۱۳۸۲). تهران: جامی. به نقل از خوانش تفسیری اخلاق محسنی به مثابه اندرزنامه سیاسی عصر تیموری.
- ثمرات القدس من شجرات القدس، لعلی بدخشی، میرزا لعل بیگ (۱۳۷۶)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات از کمال حاج سید جوادی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جاده‌العاشقین (از ماوراءالنهر تا حرمین شریفین)، جعفریان، رسول، (پاییز ۱۳۹۰)، پیام بهارستان س ۴، ش ۱۳، صص ۸۸-۱۱.
- در باره گویش یغناپی، رواقی، علی. (۱۳۹۰) زیر نظر غلامعلی حداد عادل، جشن‌نامه دکتر سلیم نیساری، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول.
- دو همشهری هم‌نام و مشکل القاب آنان، مایل هروی، نجیب (۱۳۷۸)، مندرج در سایه به سایه، تهران، نشر گفتار.
- رساله قافیة ملا جامی (عروض سیفی و قافیة جامی)، جامی، نورالدین عبدالرحمن، به تصحیح بلاخمان، به اهتمام محمد فشارکی (۱۳۷۲)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- سبک‌شناسی، بهار، محمدتقی (۱۳۸۵)، تهران، توس.
۱۰. شذرات الذهب، ابن عماد حنبلی، عبدالحی (۱۳۵۲ ق)، بیروت، دارالفکر.
- طرائق الحقائق، معصوم علیشاه، محمد معصوم بن زین‌العابدین (۱۳۴۵)، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران، بارانی.
- فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، منزوی، احمد (۱۳۶۳)، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- لغت‌نامه، دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا.

- نسخه خطی مفتاح‌الطالبین به شماره ۲۸۵۳، غجدوانی، محمود، (بی‌تا)، محفوظ در کتابخانه گنج بخش اسلام‌آباد.

- نسخه خطی مفتاح‌الطالبین به شماره ۱۹۱، غجدوانی، محمود، (بی‌تا)، نسخه کتابخانه ندوة‌العلماء لکنهو (هند).

- یادداشتها و اندیشه‌ها، زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۵۱)، تهران، طهوری.

<http://dehkademehrabani.ir>